

# حکمت؛

## گمشده انسان معاصر

طوبی کرمانی\*، استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

حبیب کارکن\*\*، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

### چکیده

گرچه واژه‌های «فلسفه» و «حکمت» در اصطلاح، معمولاً بصورت مترادف بکار می‌روند ولی در این مقاله اعتقاد بر این است که در سنت فلسفه اسلامی، حکمت، معنایی برتر از فلسفه دارد. با نظر به تعریف حکمت به اموری همچون معرفت الله، تشبیه به اله و استکمال نفس انسانی، بدست می‌آید که حکمت با اخلاق حکیم ارتباطی وثیق دارد و ملازم با ایمان و عمل اوست. حکیم برخلاف فیلسوف - بمعنای رایج کلمه - بر آن است تا جهانی عقلانی شود بنشسته در گوشه‌یی، و این امری است که زندگی حکمای مسلمان نیز گواه آن است. بدیهی است که در دنیای معاصر که اغلب فلسفه‌های آن بر شکاکیت و نسبییت گرایي تأکید می‌ورزند، نمیتوان از حکمت سخن راند ولی میتوان از فلسفه‌های گوناگون سخن بمیان آورد. فلسفه‌های متأخر بیش از آنکه انسان را به یقین برسانند، او را از آن دور ساخته و در میان انبوهی از تردیدها رها می‌سازند. از اینرو، حکمت، گمشده انسان است که در جستجوی یقین است.

### مقدمه

انسان عصر جدید پس از آنکه از معنویت جدا شد و آن را به کلیسا و اهل آن وا گذاشت، دچار بحرانهای متعددی شد که امروزه آنها را بعینه مشاهده مینماییم و هر روز شاهد افزونی آنها هستیم. عقلی که در دوران مدرن توسعه یافت و وعده‌رهایی به بشر داد، عقل جدای از وحی بود اما پس از گذشت مدتهای مدید نه تنها این وعده محقق نشد بلکه برعکس، مشکلات عدیده‌یی برای بشر بوجود آورد که او را بیش از پیش در بند نمود. از همین روست که بدنبال مدرنیسم، پست مدرنیسم سر برآورد که درصدد رفع اشکالات آن بوده و اگرچه به یک معنا ادامه همان سنت مدرن است اما خود، سنتی جدید است که میخواهد انسان را از دام مدرنیسم برهاند. پیام‌آوران این دو سنت هر یک برای خود، ساز جداگانه‌یی می‌زنند و هرکس بسته به مذاق خویش در پی یکی از آنان میافتد؛ برخلاف پیامبران الهی که همه یک صدا بودند و سخن واحدی داشتند. راز تعدد و تکثر مکاتب گوناگون فکری غرب نیز در همین انسان محوری و عقلگرایی افراطی است

(نویسنده مسئول) \*Email:kermani@ut.ac.ir

\*\*Email:habib.karkon@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۳

### کلیدواژگان

فلسفه

نسبییت گرایي

حکمت

حقیقت